

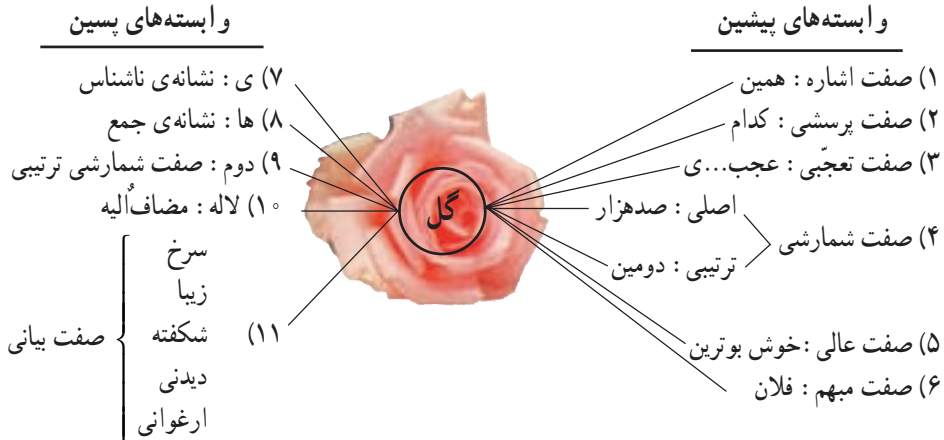
گروه اسمی (۲) وابسته‌های اسم

با توجه به آن چه تاکنون آموخته‌ایم، اکنون گروه اسمی و وابسته‌های آن را می‌شناسیم و می‌دانیم که وظیفه‌ی وابسته در گروه اسمی، توضیح برخی ویژگی‌های هسته یا افزودن نکته‌ی تازه‌ای به آن است.

فعالیت

درباره‌ی گروه‌های اسمی عبارت زیر و هسته‌ی آن‌ها گفت و گو کنید. کوششی که بشر متمدن امروز، برای کشف حقیقت هستی به کار می‌برد، از طرفی برای یافتن پاسخ پرسش‌های همیشگی اوست از دستگاه عظیم آفرینش و از سویی شناخت حدود مسئولیتش در دنیایی که بدان وابسته است.

وابسته‌های اسم را در نمودار زیر می‌بینیم:



ساخت صفت بیانی

صفت‌های بیانی نیز مثل اسم‌ها از نظر ساخت چند نوع‌اند :

۱) **ساده**: تنها یک جزء (تکواژ) دارد : سفید، سیاه، پاک، بلند، عاقل.

۲) **مرکب**: از دو یا چند تکواژ مستقل تشکیل می‌شود : پابرهنه، پرآب، پاره‌پاره. برخی از صفت‌های مرکب این گونه ساخته می‌شوند :

الف) از اسم و صفت (یا صفت + اسم) : سفید پوست، بد اخلاق، خوش سیما، ریش سفید، دل‌تنگ.

ب) یک یا دو تکواژ مستقل + بن فعل : خودخواه، راهنما، دل‌گشا، گل‌اندود.

۳) **مشتق**: در ساختمان چنین صفتی یک تکواژ مستقل و دست کم یک «وند» وجود

دارد : بی‌ادب.

برخی از صفت‌های مشتق این گونه ساخته می‌شوند :

الف) پیشوند + صفت یا اسم : ناپاک، هماهنگ (هم‌آهنگ)، ناسپاس، نسنجیده

ب) صفت + پسوند : ویرانگر، روشنگر، صادقانه، خردمندانه

پ) اسم + پسوند : ابریشمی، بهاره، پاییزه، بهاری، خانگی (صفت نسبی)

ت) بن مضارع + پسوند : بینا، زبیده، گریان (صفت فاعلی)

ث) بن ماضی + پسوند : شکسته (مفعولی)، خریدار (فاعلی)

۴) **مشتق - مرکب**: این نوع صفت هم مرکب است و هم مشتق :

ناجوان‌مرد، حمایت‌کننده، هیچ‌کاره، چهارده‌ساله، ایرانی‌نژاد

کلّیه‌ی واژه‌هایی که تحت عنوان **صفت** می‌آیند، در صورتی که وابسته‌ی اسم باشند، صفت‌اند؛ در غیر این صورت، با مقوله‌های **گروه اسمی** و **گروه قیدی** مشترک‌اند.

فَعَالِيَّت

درباره‌ی عبارت بالا، با ارائه‌ی نمونه گفت و گو کنید.

* مضاف و مضاف‌الیه

ترکیب «اسم - اسم»* را مضاف و مضاف‌الیه (اضافه) گویند.

انواع اضافه را می‌توان در دو گروه کلی جای داد: تعلق و غیر تعلق.

* اضافه‌ی تعلق: در اضافه‌ی تعلق بین مضاف و مضاف‌الیه رابطه‌ی مالکیت یا

وابستگی وجود دارد اما در اضافه‌ی غیر تعلق چنین رابطه‌ای نیست. اضافه‌ی تعلق از قبیل:

پر پرنده، شیفته‌ی آزادی، کتاب‌علی، فلسفه‌ی بوعلی سینا، جوینده‌ی نام، عنوان‌نامه،

پرواز پرنده، راه شیراز، کاسب‌بازار، مسافر قطار، خواندن‌نامه، شاهنامه‌ی فردوسی، تخت

جمشید، قانون کار، دسته‌ی صندلی، گفتن راز، کاغذ روزنامه، مغز ممداد.

در ترکیب‌های یاد شده می‌توان مضاف‌الیه را جمع بست: پر پرندگان، عنوان‌نامه‌ها،

دسته‌ی صندلی‌ها.

در پاره‌ای موارد با جابه‌جایی مضاف و مضاف‌الیه در اضافه‌ی تعلق و افزودن فعل

«دارد» می‌توان یک جمله‌ی سه جزئی مفعول‌دار ساخت:

نامه‌عنوان دارد. کار قانون دارد. شیراز راه دارد.

بازار کاسب دارد.

* اضافه‌ی غیر تعلق: اضافه‌هایی که یکی از دو قاعده‌ی بالا درباره‌ی آن‌ها صدق

نکند، غیر تعلق‌اند؛ مثل:

دست طمع گل لاله کوزه‌ی سفال کشور ایران

داس مرگ روز سه شنبه دست ارادت

* اسم و هر کلمه‌ای که در حکم اسم باشد.

(۱) پیش‌تر آموختیم که اسم خاص نشانه‌ی جمع نمی‌پذیرد؛ بنابراین اگر مضاف‌الیه اسم خاص باشد، این

قاعده صادق نیست و می‌توان با روش دوم امتحان کرد.

بیاموزیم

دو جمله‌ی زیر را مقایسه کنید:

الف) مسلمان در دروغ!

ب) مسلمان با دروغ میانه‌ای ندارد.

جمله‌ی «الف» جمله‌ای خلاصه شده است و به آن «جمله‌ی

بی‌فعل» می‌گویند. جمله‌ی «ب» «شکل گسترده‌ی جمله‌ی «الف»

است. هر دوی این جمله‌ها صحیح هستند و در جای مناسب خود به کار

می‌روند.

در نمونه‌ی «الف» کلمه «جمله» به شکل دو کلمه ظاهر شده است.

در این جمله به کلمه «و» مابینت یا استبعاد پیامی، به اختصار و

در عین حال به طور قاطع و صریح بیان شده است.

«و» مابینت یا استبعاد کلمه‌ی «می‌کند» تا پیام جمله برجسته‌تر

شود.

چند مثال دیگر:

□ شما و تأخیر؟!

□ فصل امتحانات و مسافرت؟!

□ پدر و بد قولی؟!

سه جلدی بالا را به صورت گسترده بنویسید.

خودآزمایی

۱) در متن زیر ترکیب‌های وصفی و اضافی را پیدا کنید.

دیوانه‌ای به نیشابور می‌رفت. دشتی پر از گاو دید. پرسید: «این‌ها از کیست؟» گفتند: «از عمید نیشابور است.» از آن جا گذشت. صحرائی پر از اسب دید. گفت: «این اسب‌ها از کیست؟» گفتند: «از عمید.» باز به جایی رسید با رمه‌ها و گوسفندهای بسیار. پرسید: «این همه رمه از کیست؟» گفتند: «از عمید.» چون به شهر آمد، غلامان بسیار دید. پرسید: «این غلامان از کیستند؟» گفتند: «بندگان عمیدند.» درون شهر سرایی دید آراسته که مردم به آن جا می‌آمدند و می‌رفتند. پرسید: «این سرای کیست؟» گفتند: «این اندازه نمی‌دانی که این سرای عمید نیشابور است؟» دیوانه دستاری بر سر داشت کهنه و پاره پاره؛ از سر بر گرفت به آسمان پرتاب کرد و گفت: «این را هم به عمید نیشابور بده. زیرا که همه چیز را به وی داده‌ای.»

۲) در متن بالا هسته و وابسته‌های گروه‌های اسمی را مشخص نمایید.

۳) از بن مضارع و ماضی فعل‌های زیر، صفت مشتق بسازید: می‌رفت، گفته بودی، گذشت،

خواهد دید، نمی‌دانیم.

مثال: می‌رفت ← بن مضارع = $\left. \begin{array}{l} \text{رو} + \text{ا} \leftarrow \text{روا} \\ \text{رو} + \text{نده} \leftarrow \text{رونده} \leftarrow \text{صفت فاعلی} \\ \text{رو} + \text{ان} \leftarrow \text{روان} \end{array} \right\}$

بن ماضی = رفت + ه ← رفته ← صفت مفعولی

۴) برای یافتن معانی متعدّد یکی از واژه‌های «خدا»، «شوخ»، «کتیف»، «مزخرف» به چند

فرهنگ لغت مراجعه کنید و نتیجه را در گزارش کوتاهی بنویسید.

(۵) املاي صحيح کلمات نادرست را بنویسید :

ارزش‌گزاری، خواب‌گزار، شماره‌گذاری، قانون‌گذاران، کارگذاران.

(۶) جمله‌های زیر را به صورت کوتاه و بی فعل بازنویسی کنید.

□ امام حسین (ع) هرگز حاضر نشد در برابر یزید تسلیم شود.

□ از خسیس انتظار بخشش نداشته باش.